

بررسی بسترهای فرهنگی در احیای حجاب و عفاف از منظر دانشجویان دختر و پسر و تأثیرات فردی و اجتماعی آن

پرویز جبّاری

سعید زمانی

حسین علی رمضانی

چکیده

از آنجا که یکی از ذی‌نفعان یا به عبارت دیگر، یکی از کنش‌گران اصلی عرصه حجاب و عفاف، جوانان کشور هستند و حساسیت بخش تحصیل‌کرده این قشر از ملت به موضوع حجاب و عفاف بیشتر از سایر بخش‌هاست، آگاهی از وضع موجود حجاب و عفاف در دانشگاه‌ها و نیز نوع دیدگاه‌ها و نگرش‌ها و وضعیت فرهنگی دانشجویان به آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با تدوین این مقاله، وضع موجود حجاب و عفاف در دانشگاه‌ها توصیف شده و وضعیت فرهنگی دانشجویان دختر و پسر دانشگاه‌های سراسر کشور درباره موضوع حجاب و عفاف به تصویر در می‌آید. نتایج این مقاله می‌تواند با ارائه اطلاعات واقعی و به‌روز، به متولیان امور فرهنگی کشور برای برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با موضوع کمک کند؛ بنابراین، به منظور شفاف‌سازی موضوع و آگاهی از نگرش‌ها و وضعیت فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی که نماینده قشر تحصیل‌کرده و جوان جامعه هستند و نتایج تصمیمات درباره موضوع حجاب و عفاف قطعاً بیش از سایر اقشار، این قشر از مردم کشور را تحت تأثیر قرار خواهد داد، ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله با گردآوری داده‌های واقعی از جامعه مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل آن می‌تواند تصویر روشن‌تری از وضع موجود و دیدگاه‌های طبقه ذی‌نفع (دانشجویان) ارائه کند و اطلاعات دقیق‌تری از تمایلات و نظرات آنان را در اختیار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دهد.

کلیدواژگان: فرهنگ، هنجار اجتماعی، فرهنگی شدن، حجاب، عفاف، نگرش به حجاب و عفاف.

(۱) مقدمه

عفاف، پاک‌دامنی و پرهیزکاری یکی از موضوعات بسیار مهمی است که در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است و در آیات و روایات و تعالیم دینی نیز اشاره بسیاری به آن شده است؛ این موضوع اختصاص به جنسیت خاصی ندارد و درباره هر دو جنس زن و مرد مصداق دارد. رعایت تقوا و پاکدامنی ضمن تهذیب و تربیت فرد، محیط اجتماعی را از مظاهر گناه پاک کرده، زمینه را برای تربیت صحیح اجتماعی افراد فراهم می‌سازد. یکی از نشانه‌های اصلی عفاف و پاک‌دامنی در جامعه، نوع پوشش زنان و مردان آن جامعه است. بسیاری بر این باورند که پوشش مناسب می‌تواند از تحریک غرایز جنسی جلوگیری کند و تعاملات افراد را در مسیر سالم زندگی اجتماعی قرار دهد.

در سال‌های اخیر، برخی از شهروندان نسبت به موضوع نوع پوشش اسلامی بی‌توجهی نشان می‌دهند و از طریق عدم رعایت حدود شرعی در زمینه حجاب، به طور خواسته یا ناخواسته هنجارهای جامعه را نادیده می‌گیرند. در این زمینه، دولت مسئولیت خطیری را در حوزه اجتماعی به عهده دارد و به قول استاد مطهری باید از پیدایش زمینه گناه در جامعه جلوگیری کند و انتظار عموم مردم از دست اندرکاران دولتی، مواجهه جدی با مظاهر فساد و زمینه‌های بروز گناه و از جمله برخورد با پدیده بدپوششی یا بدحجابی است. اما امروزه در میان برخی از مسئولان و متولیان بخش دولتی در نحوه تعامل با هنجارشکنان و کسانی که دستورهای اسلام درباره حجاب را نادیده می‌گیرند، اختلافاتی وجود دارد. برخی از آنان معتقد به برخوردهای قهری هستند و برخی دیگر، انجام فعالیت‌های فرهنگی و آگاه‌سازی مردم را چاره‌ساز می‌دانند. اما آنچه که دارای اهمیت است، این است که تصمیم‌گیری درباره موضوع حجاب و عفاف و نحوه مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی مربوط به آن بدون در نظر گرفتن دیدگاه‌های نسل جوان که بیشتر از نسل‌های دیگر در معرض آسیب‌های ناشی از ناهنجاری‌ها از یک سو و تبعات برخورد با مسأله از سوی دیگر، قرار دارند، به سرانجام مطلوبی نمی‌رسد. با توجه به اینکه دانشجویان، قشر فرهیخته و آگاه نسل جوان امروز را تشکیل می‌دهند و به دلیل تخصص‌ها و مهارت‌هایی که کسب می‌کنند، مدیران آینده جامعه خواهند بود،

دانستن نوع نگرش آنان به موضوع حجاب و عفاف می‌تواند برخی از زوایای پنهان این موضوع چندبعدی و پیچیده اجتماعی را برای تصمیم‌گیرندگان کشور آشکار سازد؛ بنابراین، این مقاله به دنبال شناخت وضع موجود حجاب و عفاف در محیط های دانشگاهی (اعم از دانشگاه‌های دولتی، آزاد و غیرانتفاعی) از منظر دانشجویان دختر و پسر می‌باشد و در پی آن است که تصویر روشن و شفافی را از دیدگاه‌های دانشجویان کشور ارائه نماید تا به این وسیله نقاط قوت و ضعف وضع موجود جامعه مورد مطالعه در زمینه موضوع حجاب و عفاف به دست آید و تصمیم‌گیری درباره حل معضلات مربوطه با آگاهی بیشتری صورت پذیرد.

۲) تعریف مفاهیم کلیدی تحقیق فرهنگ

امام خمینی (ره) فرهنگ را مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت‌ها می‌داند و می‌فرماید: آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد فرهنگ صحیح است. اگر فرهنگ درست بشود یک مملکت اصلاح می‌شود (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶).

آیت الله خامنه‌ای نیز در تعریف فرهنگ می‌فرماید: اساس و ریشه فرهنگ عبارت است از: «عقیده و برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلیات فردی و خلیات اجتماعی و ملی او» (۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۹).

«فرهنگ یک جامعه همواره در اخلاق، ارتباطات، زبان، ادبیات و هنر آن جامعه تجلی می‌یابد. بسیاری از هنرها ... مانند معماری، نقاشی، کاشی‌کاری و بنایی همگی ناشی از تفکر دینی است» (حجازی، ۱۳۵۲: ۱۲۵).

برنارد، فرهنگ را به معنی جامعه‌شناختی آن عبارت از هر چیزی می‌داند که ساخته دست بشر باشد. چه شیء مادی باشد و چه رفتار نمادین یا سازمان اجتماعی (آشوری، ۱۳۸۰: ۱۴).

فرهنگ به عنوان مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی اکتسابی یک جامعه خاص تعریف می‌شود (بروس، ۱۳۸۶: ۳۹) و همگرایی فرهنگی، به معنای پیدایی و رشد ویژگی‌های مشابه فرهنگی در نقاط مختلف، به طور مستقل و بدون ارتباط با یکدیگر است (ساروخانی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). همگونی فرهنگی^۱ نیز عبارت است از نوعی

^۱ - (Cultural Assimilation)

انفعال و استحاله که بر یکپارچه شدن فرهنگی و کاهش تنوع فرهنگی تأکید می‌کند (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۱۴۱-۱۴۲). سیاست مزبور رویه معمول تعدادی از دولت‌ها در قبال خواسته‌های اقلیت‌هاست؛ سیاستی که از اقلیت‌ها می‌خواهد آداب و سنن و باورهای اخلاقی خاص خود را کنار بگذارند و فرهنگ عمومی و مرکزی را بپذیرند (صالحی امیری، ۱۳۸۸: ۱۴۱).

هنجار اجتماعی و فرهنگی شدن

در اصطلاح جامعه‌شناسی هنجارها را الگوهای استاندارد شده رفتار می‌گویند. این الگوها نشان‌دهنده رفتار ایده‌آل یا مطلوب جامعه است (ستوده، ۱۳۷۳: ۱۹). هنجارها در جامعه‌شناسی به عنوان یک قاعده رفتاری عمل می‌کنند که نه فقط افراد برای انجام کارها از آن پیروی می‌کنند، بلکه در عین حال رفتار انسان‌ها با آن سنجیده می‌شود (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۴)؛ بنابراین هنجارهای اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان چه باید بگوید و از گفتن چه چیزهایی باید اجتناب ورزد. باید چگونه بیندیشد و چگونه رفتار کند. و به همین دلیل هر کس سعی می‌کند رفتار خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار نماید تا جامعه او را به عضویت خود بپذیرد (فرجاد، ۱۳۷۴: ۱۱-۱۲). قوانین، طرز لباس پوشیدن، مقررات رسمی و اداری، احکام فقهی و شرعی، برنامه تحصیلی، قواعد ورزش‌ها و بازی‌ها، آداب و رسوم و نظایر آن از جمله هنجارهای جامعه محسوب می‌شوند (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۰).

هنجار به عنوان شیوه تنظیم اجتماعی از زمان دورکیم تا به حال مورد توجه جامعه‌شناسان بوده است. با این حال تاریخ مفهوم هنجار به زمانی برمی‌گردد که انسان‌ها به ثبت و ضبط رفتارهای خود پرداختند و این مفهوم در تحلیل‌های فلسفی و اخلاقی مورد توجه قرار گرفت، هرچند که واژه هنجار، از نظر مفهوم‌سازی، جدید به‌شمار می‌رود (محسنی، پیشین: ۳۱).

هنجارها از این بابت بر ارزش‌ها و نگرش‌های اجتماعی اثر می‌گذارند که تجویزکننده و در عین حال نهی‌کننده رفتارها هستند (همان: ۳۰). هنجارهای اجتماعی را تجلی بیرونی ارزش‌های اجتماعی می‌دانند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۲۲۵). هنجارها به این دلیل باقی می‌مانند که با نظام ارزشی جامعه در توافق هستند و به نیازهای اجتماعی پاسخ می‌دهند (محسنی، پیشین: ۳۱).

فرهنگی شدن در حقیقت هماهنگی و انطباق فرد با همه شرایط و خصوصیات فرهنگی است و معمولاً به دو صورت ممکن است واقع شود. اول به صورت طبیعی و تدریجی که همان رشد افراد در داخل شرایط فرهنگی خاص است. دوم به صورت تلاقی دو فرهنگ که به طرق مختلف ممکن است صورت گیرد. فرهنگ در برگیرنده تمام چیزهایی است که ما از مردم دیگر می‌آموزیم و تقریباً اعمال انسان مستقیم و یا غیر مستقیم از فرهنگ ناشی می‌شود و تحت نفوذ آن است. برای روشن شدن مطلب یکی از اعمال انسان را مثال می‌زنیم: غذا خوردن نیازی بدنی و بیولوژیک است، برای زنده ماندن باید تغذیه کرد ولی وقتی سؤال می‌شود چه باید خورد؟ چگونه باید خورد؟ چه وقت باید خورد؟ نفوذ فرهنگ در اعمال انسانی نمودار می‌گردد. برآوردن نیازهای غریزی در انسان با مجموعه‌ای از رفتارهای پیچیده همراه است و این رفتارها را فرهنگ هر جامعه‌ای شکل می‌دهد. در مورد برآوردن نیاز تغذیه در جوامع مختلف، اشکال گوناگونی دیده می‌شود و محدودیت‌ها، مقررات، قواعد و رسومی است که افراد هر جامعه را تحت نفوذ می‌گیرند که مثلاً چه باید خورد و از خوردن چه چیز باید پرهیز کرد. فرهنگ بین افراد مشترک است. هر فردی خصوصیتی منحصر به فرد دارد که ویژه است و دیگران را از آن بهره‌ای نیست. اینگونه خصوصیات جزو فرهنگ به شمار نمی‌رود مگر آنکه به وسیله افراد دیگر یاد گرفته شود و به صورت رسوم و عادات گروهی در آید و دیگران در انجام آن شرکت کنند. از طرف دیگر فرهنگ گرد آورده جمع است، ذخیره دانش انسانی از طریق نسله‌ای متمادی فراهم شده است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. به همین دلیل غالباً هر اختراعی به زمینه عینی گذشته که حاصل کوشش‌های جمعی انسان است متکی می‌باشد.

حجاب

به کار بردن کلمه حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است. در قدیم و به خصوص در اصطلاح فقها، کلمه "ستر" که به معنای پوشش است به کار رفته است؛ بنابراین بهتر بود به جای کلمه حجاب که در لغت به معنای پرده است، کلمه پوشش را به کار می‌بردیم؛ زیرا بسیاری گمان می‌کنند که اسلام خواسته است زن همیشه در پرده و در خانه محبوس باشد. اما اسلام به هیچ وجه با پرده‌نشینی و محبوس بودن زن در خانه موافق نیست. شهید مطهری (ره) در این زمینه می‌گوید: وظیفه پوشش که اسلام برای زنان مقرر کرده است بدین معنی

نیست که از خانه بیرون نروند؛ زندانی کردن و حبس زن در اسلام مطرح نیست. در برخی از کشورهای قدیم و هند چنین چیزهایی وجود داشته است، ولی در اسلام وجود ندارد. پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.

در قرآن کریم کلمه حجاب ۷ مرتبه آمده که به معنای "پرده" و چیزی که مانع دیدن شود به کار رفته است. در میان آنها، تنها آیه ۵۳ سوره احزاب مربوط به زنان است که می‌فرماید: "اگر از آنها متاع و کالای مورد نیازی مطالبه می‌کنید از پشت پرده از آنها بخواهید." این آیه مربوط به زنان پیامبر (ص) است (همان: ۷۴).

در قرآن کریم برای زنان پیامبر دستورهای خاصی وارد شده است و از آنان خواسته شده است که در خانه‌های خود بمانند؛ زیرا ممکن بود از زنان پیامبر سوءاستفاده‌های اجتماعی و سیاسی شود؛ بنابراین درباره زنان پیامبر دستورهای شدیدتری وجود دارد. اما آیات ۵۹ سوره احزاب و ۳۱ سوره نور در مورد پوشش زنان می‌باشد که در آنها نحوه پوشش زنان مسلمان توضیح داده شده است؛ که زن مو، سینه، دور گردن و زیر گلوی خود را بپوشاند و جلباب و روسری‌های خویش را به خود نزدیک سازند.

بنابراین در این آیات و آیات مشابه دیگر از جمله آیه ۳۲ سوره احزاب از زنان خواسته نشده است که در اجتماع حضور نداشته باشند؛ زیرا زنان در جامعه و در محیط خارج از خانه و در حضور نامحرم به حفظ پوشش مناسب سفارش شده‌اند و حتی در آیه به زنان گفته نشده در جایی که بیمارستان هستند حضور نیابند، بلکه از زنان خواسته که با حفظ پوشش مناسب و رعایت حریم، خود را از نگاه‌های هوس‌آلود بیمارستان حفظ کرده و بدین ترتیب پاکدامنی خود را به اثبات رسانند؛ بنابراین خود این آیه نشان‌دهنده جواز حضور زنان در جامعه است. بررسی سیره علوی و نبوی نیز نشان می‌دهد که جامعه صدر اسلام شاهد حضور طبیعی زن مسلمان بوده و زن در همه عرصه‌های اجتماعی فعالانه شرکت داشته و این فعالیت و حضور زن مورد تأیید پیامبر و امامان (ع) بوده است. اما چون برخی خلفا و حاکمان پس از پیامبر و ائمه (ع) با حضور زن در جامعه مخالف بودند، کم‌کم زن به نوعی از صحنه فعالیت‌های اجتماعی حذف گردید و به داخل خانه‌ها رانده شد.

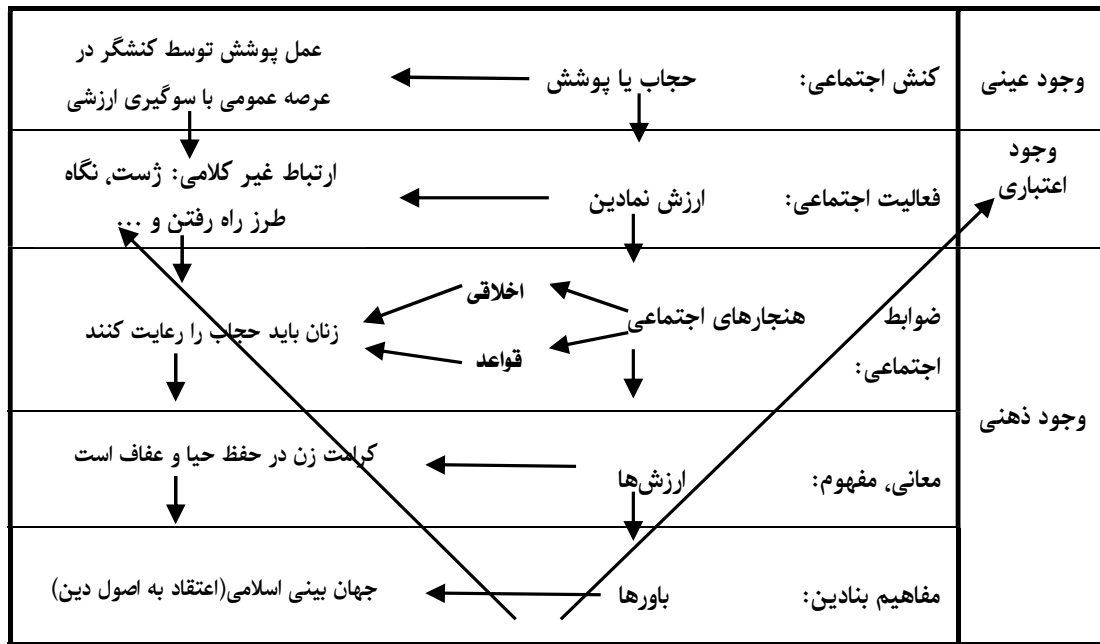
در حقیقت، زن در اقوام و ملل عصر حاضر، «حیات برهنه‌ای» است که فرهنگ، سعی در تصاحب آن دارد و قدرت در بدن زنانه دخل و تصرف می‌کند و می‌کوشد به نام دانش و حقیقت، آن را تعریف کند (دانیالی، ۱۳۸۶: ۷۴-۷۵). در چنین فضایی با یکی از مسائل اجتماعی و فرهنگی زنان به نام مسأله حجاب و پوشش بدن مواجه‌ایم که در بستری از روابط اجتماعی و در عرصه‌ای از ارتباطات میان فردی شکل می‌گیرد. یکی از عناصر محوری در قلمرو موضوعی جامعه‌شناسی، مقوله «روابط» است که جامعه‌شناسان بر آن توافق کامل دارند و به عنوان یک اصل پذیرفته شده است که «کم و کیف روابط اجتماعی و آرایش آنها، می‌تواند در رفتار موجودیت‌های اجتماعی تأثیر داشته باشد» (چلبی، ۱۳۷۳: ۹). همچنین، رفتار کنش‌گران اجتماعی و تفسیر و تاویل آنان از رفتار خود و دیگران و محیط اجتماعی‌شان در ساختار روابط اجتماعی تأثیر متقابل دارد، به طوری که بر مبنای نظریه «کنش متقابل نمادی»، ارتباط به ویژه ارتباطات نمادین، پایه و اساس تمامی کنش‌های اجتماعی شناخته شده است (محسنیان راد، ۱۳۸۵: ۳۹).

در نگاهی دقیق وجوه تمایز نگاه مادی و حیوانی به انسان و جنس مخالف و نگاه الهی و فطری به انسان با نوع پوشش قابل تشخیص است. به گفته هلن واتسون، از دیدگاه مفسران غربی، هیچ شکلی از لباس، مانند حجاب، اینقدر موضوع مناقشه نبوده است (واتسون، ۱۳۸۲: ۳۱۱). در پارادایمی عدم پوشش و برهنگی نشانه هنجار است و در پارادایمی دیگر یعنی اسلام، حجاب و عفت که دور شدن از عرصه حیوانیت است به عنوان ارزش محسوب می‌شود.

نماینده و پرچم‌دار نگاه الهی به زن در جهان کنونی ایران اسلامی است. ذوالفقاری با اتکا به نظر صاحب‌نظران اذعان می‌دارد که پدیده بدحجابی و فراتر از آن، مسأله زنان، یکی از پیچیده‌ترین مسائلی است که نظام جمهوری اسلامی ایران هم اکنون با آن مواجه است و احتمالاً دامنه این مسأله در آینده گسترده‌تر نیز خواهد شد؛ بنابراین عدم توجه به پیچیدگی مسأله و برخورد ساده‌انگارانه با آن، امکان دارد به نتایج عکس منجر شود. پدیده حجاب و پوشش از سه منظر دینی، هویتی و سیاسی قابل بررسی است؛ چراکه از یک سو دستور اکید و صریح دین مبین اسلام است و از سوی دیگر نماد فرهنگ و هویت ایرانی می‌باشد و به همین دلیل است که همواره ظرفیت سیاسی شدن را داشته است (ذوالفقاری، ۱۳۸۵: ۶۹). طی تحقیقی که در سال ۱۳۸۲ در شهر تهران اجرا شده است، ۷۷/۵ درصد پاسخ‌گویان،

بدحجابی را به عنوان یک معضل شایع در جامعه می‌دانند و ۸۰/۶ درصد بدحجابی را موجب آسیب‌رسانی به امنیت اخلاقی جامعه و ۵۴/۲ درصد نیز بدحجابی را عامل جرایم اخلاقی و ۷۸/۹ درصد نیز بدحجابی را عامل مزاحمت برای بانوان تلقی می‌کنند (کرامتی، ۱۳۸۲: ۱۳۶-۱۳۸)

لایحه‌های مفهومی حجاب به مثابه کنش اجتماعی



مقصود از فلش‌های بلند، تداعی این مطلب است که باورها و ارزش‌ها در واقع در عمق و ریشه احساسات انسانی قرار دارند که هرچه بالاتر می‌رویم حیطه آن گسترده‌تر و عینی‌تر می‌شود.

نمودار بالا بیانگر این است که حجاب (پوشش) به عنوان یک کنش اجتماعی، مبتنی بر چهار لایه مفهومی باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها است، به‌طوری که باورها، ارزش‌ها و هنجارها دارای وجوه ذهنی و اعتباری است و برای درک عینیت حجاب و تحلیل آن باید به آنها مراجعه و استناد کرد.

بدین ترتیب که باورها (اعتقادات به هست‌ها و نیست‌ها) مشروعیت‌بخش ارزش‌ها (ملاک قضاوت درباره خوب‌ها و بد‌ها) و ارزش‌ها نیز توجیه‌کننده و مشروعیت‌بخش هنجارها (بایدها و نبایدها) و نمادها نیز نماینده و تجلی هنجارها هستند که رفتار و کنش اجتماعی عینیت می‌یابد و از سوی دیگر رفتار و کنش اجتماعی به انضمام نمادهای مربوط به آن مشخص‌کننده هنجارها، و هنجارها

مشخص‌کننده ارزش‌ها و به همین ترتیب ارزش‌ها مشخص‌کننده باورها است؛ بنابراین باور به این موضوع که حجاب زنان توصیه صریح قرآن به زنان مؤمن است، در واقع توجیه‌کننده ارزش و کرامت زن و اهمیت حفظ حیا و عفاف است و مشروعیت‌بخش هنجار است که زنان در ارتباطات میان فردی باید حجاب را رعایت کنند.

حال سؤال این است که فلسفه حجاب چیست و چرا باید انسان پوشش خود را حفظ نماید؟

۱) زیرا حجاب بهترین حفاظ و حصاری است که زن را از خطر بیگانه حفظ می‌کند و زن بی‌حجاب همچون میوه درختی است که شاخه آن از دیوار باغ به بیرون آویزان است و هر رهگذری به سوی آن دست دراز می‌کند یا مانند گلی است که هر کس به چیدن آن تمایل دارد (دیلمی، ۱۳۸۴: ۵۲).

۲) پوشیده بودن زن در جامعه نه تنها موجب تقویت بنیان خانواده است، بلکه سبب حفظ ارزش زن و جلوگیری از ابتذال و تباهی او نیز می‌باشد.

۳) حجاب برای زن مانند صدفی است که گوهر وجودش را از گزند خطرهای آسیب‌ها در برابر نامحرمان و بیگانگان مصونیت بخشیده و بیمه‌اش می‌کند؛ به جامعه و به ویژه جوانان، آرامش می‌بخشد و مانع هرگونه گسترش فساد و گرایش به فحشا می‌شود.

۴) حجاب و لباس نه تنها زشتی‌ها را مستور می‌سازد، بلکه مایه زینت است و اندام انسان را زیباتر از آنچه هست نشان می‌دهد.

۵) پوشیدگی زن نمود بارز تقوای اوست و او را از آثار تقوا برخوردار می‌سازد.

۶) حجاب از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌شود و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماعی می‌گردد. همچنین سبب می‌شود که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.

۷) از آغاز خلقت، انسانی را که قرآن خلقت آن را توضیح می‌دهد، موجودی است که دارای لباس و پوشش بوده و بعدها در اثر اغوای شیطان از لباس خودش خارج می‌شود و اسیر گرفتاری‌ها و سختی‌ها می‌شود.

«ینزع و عنها لباسها و یدت لهما سواتهما» (اعراف/۲۷) که حتی بعد از اغوای شیطان با فکر خلاق و چاره‌اندیش خود برای خودش لباس‌هایی از محیط فراهم کرد. «لباساً و ریشاً» (اعراف/۲۶) پس شیطان نخست برای رسیدن به اهدافش لباس و پوشش انسان را کنار می‌زند و فرهنگ جامعه را فاسد می‌کند.

پس با بی‌حجابی بلاها و زشتی‌های جامعه ظاهر می‌شود، بدی‌ها روی کار می‌آید و خوبی‌ها دور می‌شود. کارها عکس می‌شود، و این جامعه معکوس به همه فاسدها گرفتار و هلاک می‌شود.

۸) در خلقت انسان یک ظاهر و یک باطنی وجود دارد که برخی از این جاها کشف است و برخی جاها مستور است. این ستر و پوشش یک اصل است در خلقت آدمی، هم برای مرد و هم برای زن، همچنان‌که هنگامی که انسان غذا می‌خورد، این غذا خوردن کشف و خوشایند است، ولی همین‌که این غذا را خالی می‌کند، ناپسند است. عالم خلقت هم یکی را آشکار کرده و یکی دیگر را مخفی داشته است، و در ویتترین بدن و بالای اندام‌ها قرار دارد و اعضای دیگر مستورترین و پایین‌ترین است. حرفش هم خوب نیست، مسأله «تابو» و «توتم» مطرح نیست، این یک حقیقت است.

بر اساس این واقعیت خارجی که در خلقت آدمی وجود دارد انسان‌ها بر اساس فطرت به سوی حجاب و لباس سوق داده شده‌اند و اگر آدمی خودش را بشناسد این مواضع آشکار و مخفی را احساس می‌کند؛ «و طفقا یخصفان علیها من ورق الجنة» (اعراف/۲۲) و شروع کردند به پوشانیدن خودشان از برگ‌های درختان و اولین پوشش‌ها و اولین لباس‌ها.

۹) انسان یک لباس درونی و اخلاقی علاوه بر لباس ظاهری نیز باید داشته باشد. انسانی که لباس تقوا دارد بدی‌های خودش را می‌پوشاند و حتی در لباس ظاهری هم حد و حدود الهی را مراعات می‌کند و انسانی که به سوی بی‌تقوایی می‌رود به سوی برهنگی و خروج از حد و حدود حرکت می‌کند. پس پوشش و لباس ریشه‌اش در انضباط و قانونمندی و حفاظ و عفاف است. حجاب یک نفر که می‌رود حجاب مملکت برداشته می‌شود. حجاب، یک امر انفرادی و شخصی نیست. این حجاب یک حفاظ عمومی و همگانی است. وقتی مردم فاسد می‌شوند، جامعه فاسد می‌شود.

۱۰) اگر زن زینت‌های خودش را به دیگران نشان دهد و به نمایش بگذارد این دارای یک پیامی است که هر نظاره‌کننده‌ای را به سوی خود فرا می‌خواند و بدین ترتیب موجب فتنه و فساد دیگران می‌شود و دامن انسان‌های بسیاری را آلوده به گناه می‌کند.

«ولا یضربن بازجلهن لیغلم ما یخفین من زینتهن» (نور/۳۱) و پای خود را به گونه‌ای به زمین نکوبند که معلوم شود زینت‌هایی را به خود آویخته‌اند.

۱۱) پوشیدن لباس مناسب، نوعی اقدام و حشمت برای زن و نشان‌دهنده شخصیت و حرمت او است.

۱۲) یکی دیگر از پیامدهای منفی بدحجابی رسیدن بلوغ زودرس در کودکان و نوجوانان است؛ زیرا بلوغ جنسی و وزیدن نسیم تمایلات و شهوات مربوط به دوره، وقت و زمان خاصی از زندگی است و اگر زودتر یا دیرتر بروز کند، دچار مشکلات روحی، اخلاقی و اجتماعی برای فرد و جامعه خواهد شد. به عنوان مثال، اسلام تأکید می‌کند که روابط زن و مرد الزاماً باید در کانون خانواده باشد و به محض اینکه از این قانون تخلف شود، اولین زنگ خطر به صورت بلوغ زودرس در جوانان پدید می‌آید و آتشی روشن می‌شود که دود آن به چشم همگان می‌رود.

۱۳) زن باحجاب در قلب مرد بیشتر جای دارد تا زن بی‌حجاب.

۱۴) زن باحجاب و باعفت در تحصیل علم موفق‌تر است؛ زیرا تحصیل علم نیازمند تمرکز فکر است و دختر یا زنی که به دنبال خودنمایی است و هر لحظه برای جلب مردان هرزه خود را به شکلی در می‌آورد، دیگر تمرکز حواس ندارد و در تحصیل علم موفق نخواهد بود.

۱۵) زن بدحجاب چون مصرف‌گری است که با رفتار خود جز مفسده و ضرر چیزی به بار نمی‌آورد.

۱۶) اغلب خانواده‌ها و جوانان از زن بی‌تقوا و بدحجاب که هر روز از لحاظ اقتصادی و اجتماعی برای آنها دردسر ایجاد کند متنفرند، در نتیجه به سراغ دخترانی که چنین اوصاف و حالاتی دارند، نمی‌روند. از سویی غیرت به آنها اجازه نمی‌دهد دختری را که زبازد اراذل است، شریک و همراز زندگی خود قرار دهند.

طبق این اصل دختران بدحجابی که به همین علت‌ها ازدواجشان به تأخیر می‌افتد کم نیستند.

۱۷) زن بدحجاب و بی‌تقوا در اثر ناز و کرشمه و حرکات شیطانی خود باعث توجه مردان ضعیف‌الایمان به خود می‌شود. در نتیجه آن مردان به زنان خود بی‌اعتنا می‌شوند و سرانجام این زن بی‌تقوا سبب سردی و از هم پاشیدگی زندگی یک یا چند خانواده می‌شود و عواقب شوم و گناه این عمل زشت به گردن اوست.

۱۸) بی‌حجابی و بی‌عفتی عذاب‌های اخروی را در بردارد آنچنان‌که رسول خدا (ص) فرمود: «عامه اهل النار النساء»؛ بیشترین جهنمیان از زنان بی‌تقوا هستند.

عفاف

«عفاف» با فتح حرف اول، از ریشه «عفت» است و لغت‌شناسان درباره آن گفته‌اند: «واصله الاقتصار علی تناول الشیء القلیل» یعنی: عفاف اکتفا ورزیدن به بهره‌مندی کم و شایسته است. همچنین عفت را چنین معنا می‌کنند «العفة حصول حالة للنفس تمتنع بها عن غلبة الشهوة» (راغب اصفهانی، ۱۳۵۰: ۳۵۰) عفت پدید آمدن حالتی برای نفس است که به وسیله آن از افزون‌طلبی قوه شهوانیه جلوگیری می‌شود. همچنین در مجمع البحرین آمده است: «عف عن الشیء ای امتنع عنه فهو عقیف» (طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص: ۱۰۱) عفاف از چیزی ورزید، یعنی: از آن امتناع ورزید، پس او عقیف است.

در ادب پارسی، عفاف از نظر معنا و گویش، تفاوت یافته است. در لغت‌نامه دهخدا چنین آمده است: «عفاف: پارسایی و پرهیزگاری نهفتگی، پاکدامنی، خویش‌داری» (دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۰، ص ۱۴۰۸۱).

در تفکر اسلامی، عفاف واژه‌ای با بار معنایی خاص برگرفته از آیات و روایات، و گونه‌ای منش است همراه با کنش رفتاری و گفتاری.

در قرآن چهار بار از ریشه «عفاف» استفاده شده است:

۱) سوره بقره، آیه ۲۷۳: «یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفف»؛ کسانی که از حال آنها اطلاعی ندارند، به خاطر خویش‌داری و عفت نفس ایشان گمان می‌کنند که آنها غنی و بی‌نیازند. در این آیه شریفه، کنش بزرگ‌منشانه، «مناعت طبع» عفاف

است؛ یعنی خویشتن‌داری، عزت نفس و امتناع از دست نیاز دراز کردن در مقابل دیگران، عفاف است.

۲) سوره نساء، آیه ۶: درباره شناخت زمان رشد و بلوغ یتیمان به سرپرستان سفارش می‌کند که از دست‌یازی به اموال یتیمان خودداری کنند و عفاف ورزند. این آیه نیز خویشتن‌داری را عفاف خوانده است.

۳) سوره نور، آیه ۳۲: «و لیستعفف الذین لایجدون نکاحاً حتی یغنیهم الله من فضله»؛ و کسانی که اسباب زناشویی نمی‌یابند، پاکدامنی ورزند تا خداوند از بخشش خویش توانگرشان گرداند. در این آیه شریفه خویشتن‌داری (استعفاف) را به رام کردن قوه جنسی اطلاق فرموده است.

۴) سوره نور، آیه ۶۰: «و القواعد من النساء اللّاتی لایرجون نکاحاً فلیس علیهنّ جناح ان یضعن ثیابهن غیر متبرّجات بزینة و ان یتعففن خیرٌ لهنّ و الله سمیع علیم»؛ و زنان یائسه‌ای که امید زناشویی ندارند گناهی نیست که جامه‌ها (چادرهایشان) را فرو گذارند، به شرط آنکه زینت‌نمایی نکنند و اگر پاکدامنی بورزند (و چادر را فرو نگذارند) بهتر است و خداوند، شنوای دانا است.

در کتاب «سفینه البحار» آمده است: «و یطلق فی الاخبار غالباً علی عفء الفرج و البطن و کفها عن مشتهیاتهما المحرّمة» (شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲: ص ۲۰۷)؛ در روایات، عفاف، بیشتر به معنای خویشتن‌داری نسبت به شکم و شهوت به کار می‌رود و بازداشتن این دو از فرون‌خواهی حرام. امام علی (ع) فرمود: «العفاف زهاده» (میزان الحکمه، ۱۳۸۱، ج ۶، ص: ۳۵۹، ح ۱۲۸۲۴)؛ عفاف، زهدورزی و خویشتن‌داری است و «العفء تضعف الشهوة» (همان، ص: ۳۶۳، ح ۱۲۸۶۱)؛ خویشتن‌داری شهوت را ناتوان می‌سازد.

۳) عوامل مؤثر بر حجاب و عفاف

برخی از تحقیقات نشان می‌دهند که رعایت حجاب اسلامی با سن، آگاهی، تحصیلات، درآمد همسر، محل تولد، اصرار همسر و پدر، اعتقادات مذهبی والدین، روابط گرم و صمیمانه والدین با یکدیگر، سطح معلومات مادر و استفاده مادران از چادر رابطه مستقیم و معنی‌دار دارد (آقایانی چاوشی و همکاران، ۱۳۸۹، ص: ۱۹).

به طور کلی عوامل تأثیرگذار بر حجاب و عفاف متعددند، اما در این مقاله به تشریح عوامل فرهنگی می‌پردازیم. در بررسی عوامل فرهنگی نیز به نقش دو عامل دینداری و رسانه‌ها توجه می‌شود.

الف) دین‌داری

تعریف دین‌داری یکی از موضوعات بحث‌برانگیز در بین صاحب‌نظران بوده است. دو رویکرد اصلی را می‌توان در ادبیات مربوط به تعریف دین متمایز نمود: رویکرد کارکردگرا و رویکرد جوهری.

تعاریف کارکردگرایی دین، عمدتاً دین را به عنوان پدیده‌ای در نظر می‌گیرد که عهده‌دار کارکردهای اجتماعی و یا روانی خاصی مثل انسجام اجتماعی، نظام معنایی فراگیر یا معنایی است و با این کارکردها شناسایی می‌شود. تعاریف جوهری از دین، به همان ترتیبی که مردم عادی آن را می‌فهمند به آن نگاه می‌کنند. در نتیجه مطابق این تعاریف، اصولاً دین عبارت است از باورها و عباداتی که ناظر به موجودات مقدس متعالی و الگوهای اجتماعی ارتباط با آنها است (آهن‌کوب‌نژاد، ۱۳۸۸: ۵۶-۵۸).

کسان بسیاری دین‌داری را در ظاهر افراد و انجام دادن کارهایی از قبیل نذر کردن، اطعام دادن، سفرهای زیارتی و انجام دادن مناسک می‌دانند و اگر کسی پایبندی به این امور داشت و یا به عزاداری و گریه بر مصیبت اهل بیت و داشتن تسبیح و به گفتن ذکر و صلوات همت گماشت، او را دین‌دار می‌دانند و اگر در جامعه محافل برگزاری دعا و شعائر و جشن و اعیاد دینی و عزاداری رونق گرفت و یا ظواهر دینی به خوبی رعایت شد، آنها را دلیل دین‌داری جامعه می‌دانند. برای آنها مهم نیست که در جامعه جهل، فقر، فساد، ناامنی و اختلاف طبقاتی رواج داشته باشد، تنها چیزی که برای آنها اهمیت دارد، رواج شعائر و مناسک دینی و اجرای ظاهری شریعت است.

اما گروهی دیگر در اینکه برخی از کارهای بالا می‌تواند نمایانگر دین‌داری فرد و جامعه باشد، تردیدی ندارند. اما تنها آنها را علامت‌های دین‌داری نمی‌دانند و معتقداند که دین‌داری شاخص‌هایی همچون: راستگویی، امانت‌داری، احترام به حقوق افراد، دخالت نکردن در زندگی خصوصی دیگران، حُسن همجواری،

عطوفت و... دارد. در سطح جامعه هم، جامعه‌ای را دین‌دار می‌خوانند که با ستم مبارزه کند و در جهت نفی فقر، فساد، تبعیض و برقراری عدالت کوشش کند. همچنین در میان آنها تعاون و همکاری و روح مودت و محبت و گذشت وجود داشته باشد. حکومتی را دین‌دار می‌دانند که رابطه‌اش با مردم رابطه گرگ و میش، قلدری و چپاول‌گری، تبعیض و رانت‌خواری و ایجاد رعب و وحشت نباشد و مردم، آن حکومت را با اختیار و طیب خاطر انتخاب کرده باشند و روابط دولت و ملت با اعتماد متقابل باشد. همه قدرت در دست فردی متمرکز نباشد تا هر کاری خواست انجام دهد. هم نظارت درونی و معنوی در چنین حکومتی برقرار باشد و هم بیرونی. مردم بتوانند سخن خود را بگویند، انتقاد کنند و اشکالات جامعه را نیز برطرف سازند.

پس دین‌داری و دین‌دار شدن دارای علایم و نشانه‌هایی جز آن است که ما در ظاهر برداشت می‌کنیم. نماز، روزه، حج و ... همه برای ایجاد آن علایم‌اند. اگر ما کاری کردیم که این حالت ظاهری انجام شد، اما آن هدف اصلی پدید نیاید، در ایجاد دین‌داری موفق نبوده‌ایم (ایازی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

امام صادق (ع) می‌فرماید:

«انَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيَّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبِرِّ وَ الْفَاجِرِ؛ خداوند پیامبری را مبعوث نکرده مگر اینکه دعوت به راستگویی و ادای امانت به افراد خوب و بد کرده است» (کلینی، ج ۲، ص: ۳۰۷).

به همین دلیل برخی از این روایات ما را از ظاهرسازی‌ها پرهیز می‌دهد و می‌گوید: نماز و روزه، طولانی شدن رکوع و سجود خوب است، اما اینها دلیل ایمان و دین‌داری نیست؛ زیرا چه بسا این کارها در اثر عادت انجام گیرد (همان، ص: ۱۰۵).

در تحقیقی که توسط علوی و حجتی (۱۳۸۶) انجام شده است، وضعیت دینی به دو دسته (۱) مسائل اعتقادی، (۲) مسائل اجرایی دینی از جمله فرائض و مسائل اجتماعی مرتبط با آن است که اکثر قریب به اتفاق آزمودنی‌ها در این تحقیق خود را معتقد به اصول دینی دانسته‌اند، ولی در مسائل اجرایی دینی، که یکی از آنها رعایت حجاب است، اختلاف دارند. همچنان‌که در تحقیق مشابه انجام گرفته توسط اسلامی (۱۳۷۸) در مورد دانش‌آموزان، پابندی خانواده‌ها به فرائض مذهبی

نیز در نگرش آنان به حجاب مؤثر شناخته شده است؛ بنابراین رعایت یا عدم رعایت مسائل اجرایی و عملی مذهبی می‌تواند در نوع پوشش و حجاب مؤثر باشد.

ب) رسانه‌ها

مسئله حجاب و عفاف، همواره یکی از معضلات مهم فرهنگی اجتماعی جامعه ما در دو دهه اخیر بوده که مورد توجه صاحب‌نظران، کارشناسان و مسئولان دستگاه‌های فرهنگی قرار گرفته است. در این میان، وسایل ارتباطات جمعی از جمله رسانه‌های دیداری، شنیداری، نقشی انکارناپذیری در ترویج فرهنگ حجاب و عفاف یا تضعیف و محدودیت آن در سطح جامعه داشته‌اند.

در جهان امروز وسایل ارتباط جمعی؛ مانند مجله، روزنامه، رادیو، تلویزیون، سینما، اینترنت و تلفن همراه، با انتقال اطلاعات و شکل‌دهی افکار عمومی در توسعه و تغییر فرهنگ و تمدن بشر امروزی، نقش بزرگی را ایفا می‌کنند؛ به طوری که کمتر حادثه و جریان مهم اجتماعی را می‌توان یافت که رسانه‌ها در پیدایش و شکل‌گیری آن نقشی ایفا نکرده یا حداقل در گسترش، یا کنترل آن سهمی نداشته باشند، پس مسلم است که از جهات روانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین اعتقادی، ارزشی، مهارتی، سلیقه‌ای و رفتارهای ظاهری رسانه‌ها بر مخاطبان تأثیر می‌گذارند. در بین این رسانه‌ها، سهم صدا و مخصوصاً سیما، بیشتر از سایرین خواهد بود، به گونه‌ای که نقش سازنده یا مخرب آن با دانشگاه برابری می‌کند. بزرگ‌معمار انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) در مورد نقش و اهمیت تلویزیون فرمود: «اهمیت رادیو و تلویزیون بیشتر از همه (وسایل ارتباط جمعی) است، این دستگاه، دستگاه تربیتی است. باید تمام اقشار ملت با این دستگاه تربیت شوند، این یک دانشگاه عمومی است؛ یعنی دانشگاهی است که در تمام سطوح کشور گسترده شده است» (امام خمینی، ج ۵، ص ۲۰۳).

تلویزیون که رسانه مؤثری در فناوری ارتباطی و تبادل اطلاعات به شمار می‌رود، جای خود را در جامعه ایران باز کرده است، این امر نه تنها به دلیل افزایش بینندگان و شبکه سازمانی آن، بلکه بیشتر به جهت مشروعیتی است که عوامل فرهنگی به آن اعطا کرده است.

برخی برنامه‌ها، موادی است که از ظرفیت‌های طبیعی رسانه‌ها برای درگیر کردن کل جامعه با موضوعات مذهبی بهره می‌گیرند. هدف از این برنامه‌ها و مواد می‌تواند ارائه اطلاعات مذهبی برای تبلیغ آموزه‌های دینی و صدور دستورالعمل برای ربط زندگی روزمره با دین و نمایش نتایج باورها و عقاید دینی در جهان واقعی و هماهنگی امور اجتماع با هم باشند. این برنامه‌های دینی می‌توانند اشکال و صور مختلفی مثل خبر، خطابه، گفتگو، مصاحبه، میزگرد و... پیدا کنند. آسیب این قسمت، استفاده از مجریانی است که ظاهرشان با موضوع دینی برنامه، از زمین تا آسمان متفاوت است و یا از مجریانی با ظاهر دینی، اما سطحی‌نگر استفاده می‌شود.

برخی دیگر برنامه‌های دینی، برنامه‌هایی هستند که برای عرضه صورت‌هایی از عبادات یا تجربه مکاشفه‌ای طراحی شده‌اند. هدف این برنامه‌ها صرفاً معنوی است و تأکید بر هماهنگی امور اجتماعی و دینی دارد. آسیب این بخش یا رها کردن و نپرداختن به موضوعات دینی و عرفانی ناب است یا پردازش بسیار سطحی است و یا دور از واقع نشان دادن آن، به گونه‌ای که حس همزادپنداری در بیننده را به هیچ وجه برنمی‌انگیزد.

در مبحث مورد نظر با توجه به ویژگی و ساختار این قالب و تأثیرش بر مخاطبان چند سوال قابل طرح است: اولاً تاکنون چند سریال با محوریت حجاب و عفاف ساخته شده است؟

ثانیاً میزان توجه عامل تولیدکننده به این موضوع چگونه بوده است؟ اصولاً عوامل تولید سریال و فیلم چقدر خود را ملزم به رعایت حجاب می‌دانند؟ آیا الزامات سازمانی بوده است یا خود تولیدکنندگان به عنوان مسلمان مقید به این موضوع بوده‌اند؟

ثالثاً بازیگران چقدر آگاهی نسبت به موضوع حجاب و عفاف دارند و خود آنان چقدر ملزم به رعایت این مسأله هستند؟

رابعاً طرح موضوع حجاب و عفاف چالش‌هایی را با موضوعات زیباشناسانه ساخت فیلم اعم از زیبایی کارکترها، حس بازیگری و... صدها موضوع مطرح در این زمینه به وجود می‌آورد؛ سازمان چه تمهیداتی برای حل این چالش‌های دیده است؟

به همین منظور، فرآیند انتقال فرهنگ عفاف و حجاب می‌باید مطابق با مبانی نظری تربیت اسلامی باشد که عبارتند از:

۱) معرفت به حجاب؛ نقش سیما در معرفت‌بخشی به فرزندان جمهوری اسلامی ایران در مورد حجاب، نقشی مؤثر است که نیازمند تلاش و پیگیری، برنامه‌ریزی مدون و مطول و آمیختن با هنر، آن هم به صورت تخصصی است.

۲) شاکله و شکل حجاب؛ این مورد بسیار مهم است و با شتابزدگی غیر قابل دسترسی، همانگونه که در معرفی چادر ملی اتفاق افتاد، قابل جمع نیست.

۳) خودجوشی در امر حجاب؛ بدین معنا که حجاب خواستنی باشد که لازمه‌اش فراهم آوردن بستری است برای علاقه‌مند کردن زنان و دختران به حجاب، که باز لازمه آن فرهنگسازی و الگوسازی برای ترغیب و تشویق خانواده‌ها در جهت بخشیدن فرزندان به سمت‌وسوی حجاب است (ثابت‌قدم، ۱۳۸۹: ۳۰).

۴) روش‌شناسی پژوهش

۴-۱) نوع و روش تحقیق

این پژوهش از نوع هدف، کاربردی و از نوع روش، توصیفی پیمایشی است؛ زیرا از یک طرف انتظار ارائه راه‌حل‌های کاربردی برای حل مسأله مورد مطالعه به سازمان مربوطه وجود دارد (پژوهش کاربردی) و از طرف دیگر هیچ متغیری مورد دست‌کاری و تغییر قرار نمی‌گیرد و محقق با استفاده از داده‌های به دست‌آمده به توصیف نظام‌مند پدیده مورد مطالعه می‌پردازد (پژوهش توصیفی) و اطلاعات در سطح وسیع و گسترده از افراد بسیار زیاد گردآوری و تجزیه و تحلیل می‌شود (تحقیق پیمایشی). همچنین چون روابط بین متغیرها مورد سنجش قرار می‌گیرد، از این جهت پژوهش از نوع همبستگی تلقی می‌شود. همچنین در این مقاله عوامل زمینه‌ای به عنوان مجموعه عواملی هستند که نوع نگرش فرد به حجاب را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در این نوشتار عوامل فرهنگی تأثیرگذار به نگرش دانشجویان به حجاب و عفاف بررسی می‌شوند که با شاخص‌هایی سنجیده خواهند شد. از طرفی منظور از نگرش به حجاب و عفاف، نوع قضاوت و ارزیابی مثبت یا منفی است که فرد درباره موضوع مورد مطالعه انجام می‌دهد و منظور از پیامدهای نگرش به حجاب و عفاف، تبعات مثبت یا منفی نوع نگاه به حجاب و عفاف است.

۲-۴) جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق عبارت است از همه دانشجویان دختر و پسر مقاطع مختلف تحصیلی از کاردانی تا دکترای شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور اعم از دولتی، آزاد، پیام نور، غیر انتفاعی و علمی-کاربردی.

۳-۴) نمونه آماری

به دلیل اینکه بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در انواع مختلف آن که اسامی آنها در جامعه آماری مورد اشاره قرار گرفت، در مراکز استان‌ها واقع شده‌اند و معمولاً مراکز استان‌ها به عنوان شهرهای دانشگاهی شناخته می‌شوند، نمونه‌ها به روش تصادفی ساده از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی واقع در مراکز استان‌های کشور انتخاب شدند.

۴-۴) روش نمونه‌گیری

به دلیل اینکه ماهیت متغیرهای مورد مطالعه، کیفی است، برای تعیین تعداد نمونه آماری از فرمول احتمال موفقیت کوکران استفاده شد. با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵ درصد، احتمال موفقیت ۵۰ درصد و سطح خطای ۰/۰۵ تعداد نمونه در هر استان حداقل ۱۵۰ نفر تعیین شد. این تعداد در عدد ۳۱ (تعداد استان‌ها) ضرب شد و در نتیجه عدد ۴۶۵۰ به دست آمد که نشان‌دهنده تعداد کل نمونه از سراسر کشور است. با توجه به اینکه از استان تهران به دلیل بزرگ‌تر بودن جامعه، تعداد ۵۰۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شد، بنابراین تعداد کل نمونه در سطح کشور ۵۰۰۰ نفر تعیین گردید.

۵-۴) روش‌ها و ابزارهای گردآوری اطلاعات

الف) کتابخانه‌ای: در این روش با استفاده از ابزار فیش تحقیقاتی اقدام به گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات و پیشینه تحقیق شد.

ب) روش میدانی: در این روش با استفاده از ابزار پرسش‌نامه محقق ساخته اطلاعات از سراسر کشور گردآوری شد.

جدول زیر سؤالات پرسشنامه را نشان می‌دهد که مرتبط با هر یک از سؤالات تحقیق است؛

ارتباط بین سؤالات پژوهشی با اجزای پرسشنامه

سؤال تحقیق	شماره سؤالات پرسشنامه
۱. دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور درباره موضوع حجاب و عفاف چه نگرشی دارند؟	۳۲ (۳۲,۱ تا ۳۲,۱۰)، ۳۳، ۳۴ (۳۴,۱ تا ۳۴,۷)
۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور چه نقشی در نوع نگرش آنان به حجاب و عفاف دارد؟	۱ تا ۱۰ (۱۰,۱ تا ۱۰,۳)
۳. نقش عوامل فرهنگی در نوع نگرش دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور به حجاب و عفاف چیست؟	۱۱ (۱۱,۱ تا ۱۱,۷)، ۱۲ (۱۲,۱ تا ۱۲,۴) و ۱۳ (۱۳,۱ تا ۱۳,۷)
۴. پیامدهای فردی نگرش دانشجویان به حجاب و عفاف چیست؟	۳۵ (۳۵,۱ تا ۳۵,۶)
۵. نگرش دانشجویان به حجاب و عفاف از چه پیامدهای اجتماعی برخوردار است؟	۳۶ (۳۶,۱ تا ۳۶,۸)

در خصوص نحوه طراحی ابزار اندازه‌گیری، لازم به توضیح است که محققان پروژه پس از مطالعه ادبیات موضوع حجاب و عفاف و پیشینه تحقیقات مربوطه اقدام به طراحی الگوی مفهومی و سپس الگوی تحلیلی کردند و در راستای سؤالات پژوهشی، متغیرهای مطرح در الگوی تحلیلی را به سؤالات پرسشنامه تبدیل نمودند.

۴-۶) روایی و پایایی ابزار سنجش

ابزار سنجش متغیرهای این تحقیق، پرسشنامه است و با استفاده از روش دلفی روایی/ اعتبار محتوایی آن اندازه‌گیری شد. همچنین از روش سازگاری درونی پرسش‌ها با اندازه‌گیری آلفای کرونباخ آنها برای سنجش میزان پایایی ابزار استفاده شد. این نکات به تفکیک در ادامه توضیح داده می‌شود:

الف) روایی: روایی محتوا و صوری ابزار سنجش با تشکیل کمیته علمی و همکاران پروژه مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

ب) پایایی: برای سنجش پایایی ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه اولیه در بین تعداد ۵۰ نفر از دانشجویان توزیع شد و پس از گردآوری اطلاعات، میزان سازگاری/ ثبات درونی سؤالات آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه گردید. مقادیر ضریب یادشده در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

۹۵ بررسی بسترهای فرهنگی در احیای حجاب و عفاف

با توجه به نتایج به دست آمده از پیش آزمون ابزار سنجش (جدول ۱) می توان گفت که پرسشنامه طراحی شده از حداقل استانداردهای لازم برای اندازه گیری متغیرهای مورد نظر در پروژه تحقیقاتی حجاب و عفاف برخوردار بوده است.

جدول (۱) - الگوی تحلیلی پژوهش و آلفای کرونباخ

ابعاد	مؤلفه‌ها		شاخص‌ها	سؤالات	آلفای کرونباخ	
عوامل زمینه‌ای	فرهنگی	اعتقادی	مسئول بودن هر فرد در قبال رفتار خود حاضر و ناظر دانستن خداوند پاسخ‌گویی در روز واپسین نماز و دعا رهایی از خودپرستی است نماز و دعا موجب طهارت روح می‌شود نماز و دعا موجب سلامت روان می‌شود نماز و دعا جلوی فحشا و منکر را می‌گیرد	۲،۱ تا ۲،۷	۰/۸۸	
			دین‌داری	به جا آوردن نمازهای واجب ادعیه روزه مراسم مذهبی	۳،۱ تا ۳،۴	۰/۷۱
		استفاده از رسانه‌ها	داخلی	تلویزیون رادیو مطبوعات سایت‌های خبری	۴،۱ تا ۴،۷	۰/۶۹
	خارجی		رادیو شبکه‌های ماهواره‌ای سایت‌های خبری			
	پیامدهای حجاب و عفاف	اجتماعی	فردی	آرامش روانی شادابی رضایت درونی سلامت روح و روان احساس هویت و خوداتکایی	۲۶،۱ تا ۲۶،۶	۰/۹۶
			اجتماعی	کاهش بزه‌کاری افزایش نرخ ازدواج کاهش نرخ طلاق کاهش مدگرایی وارداتی ایجاد روابط اجتماعی و عاطفی قاعده‌مند حفظ عفت عمومی کاهش زمینه گناه در جامعه تقویت بنیان خانواده	۲۷،۱ تا ۲۷،۸	۰/۹۶۵
آلفای کرونباخ کل پرسشنامه					۰/۹۴	

۴-۷) روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش‌های تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش به شرح زیر است:

الف) تحلیل توصیفی داده‌ها:

در این روش، وضع موجود متغیرها در نمونه آماری با استفاده از سنجش شاخص‌های متمایل به مرکز مثل میانگین و شاخص‌های پراکندگی مثل واریانس و انحراف معیار، توصیف شد.

ب) تحلیل استنباطی داده‌ها:

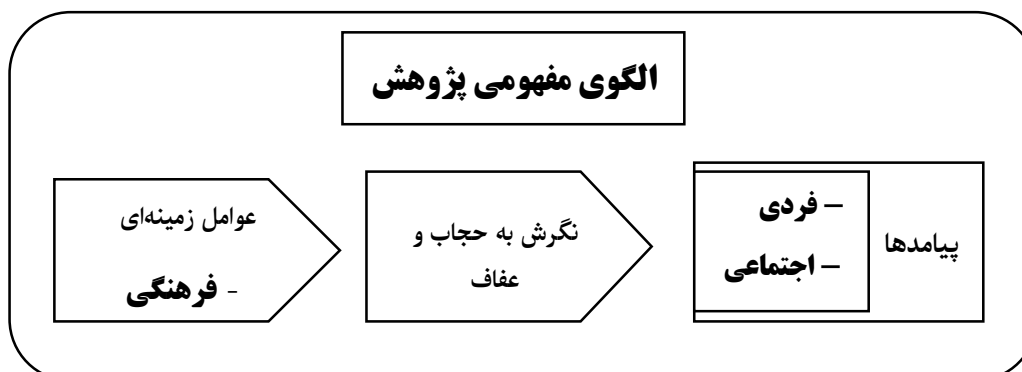
در این روش، برای سنجش ارتباط بین متغیرها با توجه به مقیاس سنجش آنها از روش‌های مختلفی به شرح زیر استفاده شد. برای اندازه‌گیری رابطه متغیرهایی که از نوع اسمی بودند، از ضریب همبستگی لاندا استفاده شد و در جایی که متغیرها در مقیاس رتبه‌ای بودند ضریب همبستگی کندال تاو سی و ضریب همبستگی اسپیرمن مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

ضریب همبستگی لاندا یکی از روش‌های سنجش رابطه بین دو متغیر اسمی یا یک متغیر اسمی و یک متغیر رتبه‌ای است که بر اساس کاهش نسبی در خطا اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص در مقایسه با شاخص‌های مبتنی بر کای اسکوئر از دقت بیشتری برخوردار است؛ زیرا شاخص‌های مبتنی بر کای اسکوئر تحت تأثیر تعداد نمونه قرار می‌گیرد، ولی شاخص لاندا اینگونه نیست (نگهبان، ۱۳۸۲: ۱۹۶-۱۸۲).

ضریب همبستگی کندال تاو سی شاخصی است برای اندازه‌گیری رابطه بین متغیرهای رتبه‌ای که جداول توافقی آنها مربعی نباشد (نگهبان، ۱۳۸۲: ۲۰۱ و کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۰۹).

ضریب همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن زمانی استفاده می‌شود که داده‌ها به صورت رتبه‌ای متوالی ناپیوسته باشد و یا اینکه مقادیر اصلی به رتبه تبدیل شوند (کلانتری، ۱۳۸۷: ۱۰۷).

در این تحقیق به تناسب ماهیت متغیرها از روش‌های یادشده در جای خود استفاده شده است.



زمینه و بستر	مولفه	ابعاد	شاخص
فرهنگی	دین‌داری	اعتقادی	مسئول بودن هر فرد در قبال رفتار خود حاضر و ناظر دانستن خداوند پاسخ‌گویی در روز واپسین نماز و دعا رهایی از خودپرستی است نماز و دعا موجب طهارت روح می‌شود نماز و دعا موجب سلامت روان می‌شود نماز و دعا جلوی فحشا و منکر را می‌گیرد
		مناسکی	به جا آوردن نمازهای واجب ادعیه روزه مراسم مذهبی
	استفاده از رسانه‌ها	داخلی	تلویزیون رادیو مطبوعات سایت‌های خبری
		خارجی	رادیو شبکه‌های ماهواره‌ای سایت‌های خبری

نحوه نگرش مخاطبان به
حجاب و عفاف

شخص	ابعاد	
آرامش روانی شادابی رضایت درونی سلامت روح و روان احساس هویت و خوداتکایی	فردی	پیامدهای حجاب و عفاف
کاهش بزه کاری افزایش نرخ ازدواج کاهش نرخ طلاق کاهش مدگرایی وارداتی ایجاد روابط اجتماعی و عاطفی قاعده‌مند حفظ عفت عمومی کاهش زمینه گناه در جامعه تقویت بنیان خانواده	اجتماعی	

۵) یافته‌های تحقیق

خلاصه یافته‌های تحقیق در زمینه متغیرهای فرهنگی در چهار بخش دین‌داری اعتقادی، دین‌داری مناسکی، استفاده از رسانه‌های داخلی و استفاده از رسانه‌های خارجی به شرح زیر است:

الف) دین‌داری اعتقادی

بیش از ۹۸ درصد از دانشجویان مسئولیت فردی در قبال رفتار خود را متوسط و بالاتر ارزیابی می‌کنند.

بیش از ۹۸ درصد از دانشجویان، حاضر و ناظر بودن خداوند را در حد متوسط و بالاتر ارزیابی می‌کنند.

بیش از ۹۸ درصد از دانشجویان، پاسخ‌گویی در قیامت را در حد متوسط و بالاتر ارزیابی می‌کنند.

بیش از ۹۵ درصد از دانشجویان، رهایی بخش بودن نماز و دعا را در حد متوسط و بالاتر ارزیابی می‌کنند.

بیش از ۹۶ درصد از دانشجویان، ایجاد طهارت روح توسط نماز و دعا را در حد متوسط و بالاتر ارزیابی می‌کنند.

بیش از ۹۶ درصد از دانشجویان، ایجاد سلامت روان توسط نماز و دعا را در حد متوسط و بالاتر ارزیابی می‌کنند.

بیش از ۹۵ درصد از دانشجویان، جلوگیری از فحشا و منکر توسط نماز و دعا را در حد متوسط و بالاتر ارزیابی می‌کنند.

میانگین مؤلفه دین‌داری اعتقادی در کل دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق، بالاتر از زیاد می‌باشد (نمره ۴/۵ از طیف ۱ تا ۵).

ب) دین‌داری مناسکی

بر اساس اظهار نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیق، ۶۱/۱ درصد از آنان نماز را به طور منظم به جای می‌آورند، ۳۲/۳ درصد هر از گاهی نماز می‌خوانند و ۶/۶ درصد نیز هیچ‌گاه نماز نمی‌گذارند.

۲۷/۹ ر از آنان به طور منظم با ادعیه انس دارند، ۶۴/۲ درصد هر از گاهی دعا می‌خوانند و ۶/۶ درصد نیز هیچ‌گاه اهل دعا کردن نیستند.

۷۱/۶ درصد از آنان به‌طور منظم در ماه مبارک رمضان روزه می‌گیرند، ۲۱/۳ درصد هر از گاهی در ماه رمضان روزه می‌گیرند و ۷/۱ درصد نیز هیچ‌گاه اهل روزه گرفتن نیستند.

۱۹/۱ درصد از آنان به‌طور منظم در برنامه‌ها و مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، ۶۸/۴ درصد هر از گاهی در این برنامه‌ها مشارکت دارند و ۱۲/۵ درصد نیز هیچ‌گاه در برنامه‌ها و مراسم مذهبی شرکت نمی‌کنند.

میانگین مؤلفه دین‌داری مناسکی در کل دانشجویان مشارکت‌کننده در تحقیق، زیر متوسط است (نمره ۲/۱۹ از طیف ۱ تا ۵).

ج) استفاده از رسانه‌های داخلی

تقریباً ۴۳ درصد از مشارکت‌کنندگان در تحقیق به‌طور روزانه از برنامه‌های تلویزیونی ایران به مدت بیش از دو ساعت استفاده می‌کنند. به‌علاوه، ۲۰/۴ درصد از آنان تا یک ساعت در روز و ۲۷/۴ درصد گاهی اوقات این برنامه‌های تلویزیونی را تماشا می‌کنند. ۹/۱ درصد نیز اذعان داشته‌اند که کانال‌های تلویزیونی داخلی را نمی‌بینند.

تنها ۲۰/۲ درصد از مشارکت‌کنندگان در تحقیق به‌طور روزانه و منظم از برنامه‌های رادیویی ایران استفاده می‌کنند. در حالی که، ۳۳/۳ درصد از آنان گاهی اوقات به این برنامه‌های رادیویی گوش فرا می‌دهند. جالب این‌که ۴۶/۶ درصد از دانشجویان اذعان داشته‌اند که از کانال‌های رادیویی ایران استفاده نمی‌کنند.

تنها ۲۳/۷ درصد از مشارکت‌کنندگان در تحقیق به‌طور روزانه و منظم مطبوعات و روزنامه‌های داخلی را می‌خوانند. در حالی که بیش از نیمی از دانشجویان (۵۳/۱ درصد) گاهی اوقات از مطبوعات و روزنامه‌های ایرانی استفاده می‌کنند. جالب این‌که ۲۳/۳ درصد از آنان اذعان داشته‌اند که از مطبوعات و روزنامه‌های داخلی استفاده نمی‌کنند.

۲۵/۱ درصد از مشارکت‌کنندگان در تحقیق به‌طور روزانه و منظم سایت‌ها و خبرگزاری‌های داخلی را می‌بینند. در حالی که ۴۳/۳ درصد از دانشجویان گاهی اوقات از سایت‌ها و خبرگزاری‌های ایرانی استفاده می‌کنند. جالب این‌که ۳۱/۶ درصد از آنان اذعان داشته‌اند که از سایت‌ها و خبرگزاری‌های داخلی استفاده نمی‌کنند.

میانگین بهره‌مندی از رسانه‌های داخلی توسط دانشجویان زیر ۱ ساعت در روز است (نمره ۲/۳ از طیف ۱ تا ۵).

د) استفاده از رسانه‌های خارجی

حدود ۶۸ درصد از دانشجویان مشارکت‌کننده در این پژوهش از رادیوهای خارجی استفاده نمی‌کنند. ۱۹/۷ درصد از آنان گاهی اوقات به این رادیوها گوش

می‌دهند. در حالی که، تنها ۱۲/۳ درصد از دانشجویان شنونده برنامه‌های رادیویی خارجی هستند.

۳۰/۳ درصد از دانشجویان مشارکت‌کننده در این پژوهش از شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی به‌طور منظم و روزانه استفاده می‌کنند. ۲۳ درصد از آنان گاهی اوقات به این کانال‌های تلویزیونی نگاه می‌کنند. در حالی که، ۶۶/۸ درصد از دانشجویان بیننده برنامه‌های ماهواره‌ای خارجی نیستند. نکته جالب توجه این است که بیش از نیمی از تماشاگران کانال‌های ماهواره‌ای خارجی روزانه بیش از ۳ ساعت وقت خود را به این کار اختصاص می‌دهند.

۱۸/۲ درصد از مشارکت‌کنندگان در تحقیق به‌طور روزانه و منظم سایت‌ها و خبرگزاری‌های خارجی را می‌بینند. در حالی که ۲۳/۸ درصد از دانشجویان گاهی اوقات از سایت‌ها و خبرگزاری‌های خارجی استفاده می‌کنند. جالب این که ۵۷/۹ درصد از آنان اذعان داشته‌اند که از سایت‌ها و خبرگزاری‌های خارجی استفاده نمی‌کنند.

میانگین بهره‌مندی از رسانه‌های خارجی توسط دانشجویان به‌طور نامنظم و زیر ۱ ساعت در روز است (نمره ۱/۸۶ از طیف ۱ تا ۵).

و اما رابطه بین عوامل فرهنگی و نگرش به حجاب و عفاف در بین جامعه آماری چنین بیان شده است:

الف) دین‌داری و نگرش به حجاب و عفاف

با افزایش بعد اعتقادی دین‌داری، باورهای مربوط به فلسفه حجاب و عفاف نیز افزایش می‌یابد.

با افزایش بعد اعتقادی دین‌داری، باورهای مربوط به برخوردهای «فرهنگی»، «فرهنگی - انتظامی» و «انتظامی» با مقوله حجاب و عفاف نیز افزایش می‌یابد.

بین دین‌داری مناسکی و فلسفه حجاب و عفاف رابطه معنی‌دار وجود ندارد؛ یعنی کاهش یا افزایش بُعد مناسکی دین‌داری، تأثیری در باورهای مربوط به فلسفه حجاب و عفاف نمی‌گذارد.

بین دین‌داری مناسکی و برخوردهای «فرهنگی»، «فرهنگی - انتظامی» و «انتظامی» با موضوع حجاب و عفاف رابطه معنی‌دار وجود ندارد؛ یعنی کاهش یا افزایش بُعد

مناسکی دین‌داری، تأثیری در باورهای مربوط به نوع برخورد با موضوع حجاب و عفاف نمی‌گذارد.

ب) استفاده از رسانه‌ها و نگرش به حجاب و عفاف

با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های داخلی، باورهای مربوط به فلسفه حجاب و عفاف نیز افزایش می‌یابد.

با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های داخلی، باورهای مربوط به مواجهه «فرهنگی»، «فرهنگی - انتظامی» و «انتظامی» با موضوع حجاب و عفاف نیز افزایش می‌یابد.

با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، باورهای مربوط به فلسفه حجاب و عفاف کاهش می‌یابد.

با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، باورهای مربوط به مواجهه «فرهنگی»، «فرهنگی - انتظامی» و «انتظامی» با موضوع حجاب و عفاف کاهش می‌یابد.

۶) نتیجه‌گیری

۱) نتایج این مقاله نشان داد که با افزایش بُعد اعتقادی دین‌داری، باورهای مربوط به فلسفه حجاب و عفاف و استفاده از روش‌های سه‌گانه فرهنگی، فرهنگی - انتظامی و انتظامی در برخورد با متجاسران به حجاب و عفاف نیز افزایش می‌یابد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود نهادهای فرهنگی دانشگاه‌ها برنامه‌های ویژه‌ای را برای افزایش دین‌باوری و اعتقادات مذهبی دانشجویان تدارک ببینند. با افزایش اعتقادات دینی و باورهای مذهبی دانشجویان، بسیاری از ناهنجاری‌ها و حرمت‌شکنی‌های موجود در محیط دانشگاه‌ها کاهش خواهد یافت.

۲) بین دین‌داری مناسکی دانشجویان و باورهای مربوط به فلسفه حجاب و عفاف و نوع مواجهه با متجاسران به آن رابطه معنی‌دار وجود ندارد؛ یعنی اینکه صرفاً شرکت در برنامه‌های مناسبتی و غیره نقش قابل ملاحظه‌ای در حوزه حجاب و عفاف ندارد. پیشنهاد می‌شود در خلال برگزاری نمازهای جماعت، مراسم ادعیه و برنامه‌هایی از این قبیل، معارف آگاهی‌بخش و اطلاعات مفید را به طور هدف‌مند در خصوص حجاب و عفاف در اختیار دانشجویان قرار دهند تا این رفتارها صرفاً

به عادت‌های تکراری تبدیل نشود و در شئون مختلف زندگی آنان از جمله نوع نگاه به حجاب و عفاف مؤثر واقع شود.

۳) چون با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های داخلی، باورهای مربوط به فلسفه حجاب و عفاف و استفاده از روش‌های سه‌گانه فرهنگی، فرهنگی - انتظامی و انتظامی در برخورد با متجاسران به حجاب و عفاف نیز افزایش می‌یابد. از سوی دیگر دانشجویان در مقایسه با رسانه‌های خارجی وقت زیادی را صرف استفاده از رسانه‌های داخلی می‌کنند، پیشنهاد می‌شود کیفیت و جذابیت برنامه‌های این رسانه‌ها متناسب با مخاطبان و نیازمندی‌های آنان و با محوریت و تمرکز بر حجاب و عفاف تهیه شود.

۴) از سوی دیگر، چون با افزایش میزان استفاده از رسانه‌های خارجی، باورهای مربوط به فلسفه حجاب و عفاف و استفاده از روش‌های سه‌گانه فرهنگی، فرهنگی - انتظامی و انتظامی در برخورد با متجاسران به حجاب و عفاف کاهش می‌یابد. پیشنهاد می‌شود متولیان فرهنگی کشور اعم از قانون‌گذاران مثل مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجریان مثل وزارت کشور، آموزش و پرورش، علوم، تحقیقات و فناوری و نیروی انتظامی در تصویب و اجرای قوانین مقابله با امواج ظاله با برنامه‌ریزی مدون و جدیت تمام اقدام کنند. اجرای قانون حجاب و عفاف و منع استفاده از ماهواره می‌تواند نقش بسیار کلیدی در جلوگیری از بروز تبعات منفی رسانه‌های غربی و انحراف فکری جوانان این مرز و بوم بخصوص دانشجویان ایفا نماید.

کتابنامه

- ۱) قرآن کریم، ترجمه فولادوند.
- ۲) نهج البلاغه؛ م. محمد دشتی، چاپ یازدهم، قم: مؤسسه انتشارات مشهور.
- ۳) آشوری داریوش، (۱۳۸۰)، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ؛ تهران، نشر آگاه، ۱۳۸۰.
- ۴) آقایانی چاوشی، اکبر. طالبیان، داوود. حبیبی، مهدی. دهاقین، وحیده. انوری، سمیه سادات، «دیدگاه جوانان و میانسالان درمورد حجاب برتر»، مجله علوم رفتاری، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۸۹.
- ۵) آهنکوب نژاد، محمدرضا، «مطالعه میزان پابندی دینی جوانان شهر اهواز»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره سوم، پاییز و زمستان، ۱۳۸۸.
- ۶) احمدی، حبیب. روحانی، علی. زهری، محسن، «تبیین واقعیت اجتماعی حجاب از منظر فمینیستی (مدرن و پست مدرن) و آرای اندیشمندان اسلامی»، فصلنامه بانوان شیعه، سال ششم، تابستان شماره ۲۰، ۱۳۸۸.
- ۷) المتقی هندی، علاءالدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی السنن و الافعال، بیروت: موسسه الرساله، ج ۱۶.
- ۸) امام خمینی، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
- ۹) ایازی، سید محمد علی، «معیار دینداری»، بشارت: آذر و دی، شماره ۲۶، ۱۳۸۰.
- ۱۰) بروس، کوئن؛ درآمدی به جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران، توتیا، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.
- ۱۱) ثابت قدم، سجاد، «نقش رسانه‌ها در فرهنگسازی حجاب و عفاف»، مجله الکترونیک شبستان اندیشه، تاریخ دسترسی اردیبهشت ۱۳۹۰.
- ۱۲) چلبی، مسعود؛ «تحلیل شبکه در جامعه‌شناسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره دوم، ش: ۶، ۱۳۷۳.
- ۱۳) حجازی، فخرالدین؛ نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۵۲.
- ۱۴) حجتی، سیدحمیدرضا، «عوامل موثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان»، تربیت اسلامی، بهار و تابستان، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۸۶.
- ۱۵) دانیالی، عارف؛ «فمینیسم همچون هیستریک شدن زنانگی»، ماهنامه خردنامه همشهری، شماره ۱۶، ۱۳۸۶.
- ۱۶) دیلمی حسین، نکته‌های نورانی، قم، موسسه انتشارات حرم، ۱۳۸۴.
- ۱۷) ذوالفقاری، حسین؛ «موانع و مشکلات ناجا در کنترل بدحجابی»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال چهارم، ش: اول، ۱۳۸۵.
- ۱۸) راغب اصفهانی، معجم مفردات. قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۵۰.
- ۱۹) ساروخانی، باقر؛ درآمدی بر دائرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان، چاپ سوم، جلد اول، ۱۳۸۰.
- ۲۰) ستوده، هدایت‌الله؛ مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۲۱) سلیمی، علی و داوری، محمد؛ جامعه‌شناسی کجروی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.

- (۲۲) شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲،
 (۲۳) صادقی، شیده، «حجاب و رابطه آن با تکامل اجتماعی»، فصلنامه بانوان شیعه، سال چهارم، شماره ۱۱، ۱۳۸۶.
 (۲۴) صالحی امیری، رضا و محمدی، سعید؛ دیپلماسی فرهنگی، تهران، ققنوس، چاپ اول، ۱۳۸۹.
 (۲۵) صالحی امیری، رضا؛ انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
 (۲۶) عظیمیان، مریم. بهشتی، سعید، «بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن»، دو فصلنامه تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، بهار و تابستان، ۱۳۸۸.
 (۲۷) علوی، سیدحمیدرضا. حجتی، رضیه، «عوامل موثر بر بدحجابی دختران دانشگاه شهید باهنر کرمان»، تربیت اسلامی، بهار و تابستان، سال دوم، شماره ۴، ۱۳۸۶.
 (۲۸) کرامتی، مهری؛ «حجاب از دیدگاه شهروندان تهرانی»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال اول، ش: اول، ۱۳۸۲.
 (۲۹) کلانتری، خلیل؛ پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی؛ تهران: فرهنگ صبا، ۱۳۸۷.
 (۳۰) محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، ج ۶، ۱۳۸۱.
 (۳۱) نگهبان، علیرضا؛ راهنمای روش تحقیق به کمک پرسشنامه؛ تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران، ۱۳۸۲.
 (۳۲) رفیع‌پور، فرامرز؛ آنومی یا آشفتگی اجتماعی، تهران، سروش، ۱۳۷۸.
 (۳۳) فرجاد، محمدحسین؛ آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، بی‌جا، بدر، چاپ ششم، ۱۳۷۴.
 (۳۴) محسنی، منوچهر؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، طهوری، ۱۳۸۶.
 (۳۵) محسنیان راد، مهدی؛ «ارتباط‌شناسی»، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۵.
 (۳۶) واتسون، هلن؛ «زنان و حجاب»؛ ترجمه مرتضی بحرانی، فصلنامه کتاب زنان، سال پنجم، ش: ۲۰، ۱۳۸۲.